

طنز در افسانه‌های عامیانه حیوانات

(بررسی تطبیقی طنز در حکایات کلیله و دمنه و افسانه‌های ازوپ)

زینب کوشکی^{۱*} ساره زیرک^۲

1. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)

2. استادیار زبان و ادبیات فارسی، هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

دریافت: 1395/2/6

پذیرش: 1396/10/12

چکیده

چکیده کلیله و دمنه در ادبیات فارسی و افسانه‌های ازوپ در یونان باستان، دو نمونه از آثار کهن ادبیات جهان، در حیطه «افسانه‌های تمثیلی حیوانات» یا «فابل» هستند. در مقاله حاضر، کاربرد «طنز» به عنوان یکی از انواع سخن غیرجد و نیز یکی از ابعاد هنری این دو اثر، مورد توجه قرار گرفته است. از این رو حکایات‌های تمثیلی این دو کتاب، از حیث شگردهای گوناگون ایجاد طنز نظیر: پیام اخلاقی- انتقادی، طنز کلامی، طنز موقعیت، مضامین خاص، شخصیت پردازی و... بررسی و با یکدیگر مقایسه شد و مشخص شد که طنز به کار رفته در افسانه‌های ازوپ بیشتر منحصر در به رخ کشیدن تناقض‌های اخلاقی و اجتماعی موجود در جامعه، با بهره‌گیری از کنایه و تعریض در طنز کلامی و طنز موقعیت است؛ البته کوتاهی طول افسانه‌ها و کاربرد صنعت ایجاز و اختصار به رسانی و خنده‌انگیزی این نوع طنز کمک شایانی کرده است. در کلیله و دمنه نیز تناقض‌های اخلاقی و اجتماعی با بیان طنزآمیز مورد توجه بوده است و قوت طنز حکایات آن برخاسته از مضامین متفاوت و تابو و شخصیت‌پردازی‌ها و طنز موقعیت در کنار طنز کلامی است. با این تفاوت که در کلیله و دمنه با انشای نصرالله منشی، کاربرد شیوه حکایت در حکایت به همراه توصیفات و تشبیهات و آن دسته از آرایش‌های ادبی که ویژه نگارش نثر فنی است، سبب طولانی شدن حکایت گردیده و از تأثیر طنز در آن کاسته است.

واژه‌های کلیدی: فابل/طنز/کلیله و دمنه/افسانه‌های ازوپ/تمثیل حیوانات

1. مقدمه



ارسطو نخستین کسی است که هنگام بحث درباره کمدی، از آن به عنوان شیوه‌ای برای نیل به خنده یاد می‌کند (1375: 120). وی معتقد است: «ما تنها موجوداتی هستیم که احساس می‌کنیم ناگزیر از خندیدنیم» (استات، 1389: 29). همچنین ابن سینا انسان را «حیوان ضاحک» یا به عبارتی، جانوری خندان می‌داند.

هانری برکسون¹ معتقد است: «بسیاری انسان را به حیوانی که می‌خندد تعریف کرده‌اند. آن‌ها می‌بایست او را به حیوانی که به او می‌خندند هم تعریف می‌کردند؛ زیرا اگر جانور یا یک شیء بی‌جان یک وضعیت و یا حالت انسانی، یعنی مربوط به انسان را ایجاد کند، خنده‌انگیز بودن به سبب شباهتی است که با انسان و خصوصیات انسانی دارد» (Brerton, 1911:3-4).

خنده گونه‌هایی مختلف دارد و خنده ناشی از انواع شوخ‌طبعی، از جمله طنز، هزل و هجو با هم متفاوت است. شفیعی کدکنی معتقد است که طنز و خنده ملازمه‌ای ندارند. وی می‌نویسد: «گاه یک طنز می‌تواند شخصی را بگریاند. داستان آن مردی که در تموز گرم نیشابور یخ می‌فروخت و کسی خریدارش نبود و می‌گفت: «نخریدند و تمام شد!» از دردناک‌ترین طنزهای جهان است» (1380: 303). طنز در افسانه‌های حیوانات (که موضوع بحث حاضر است) نیز گاه خنده‌انگیز است و گاه دیگر وجوه طنز را دربر خواهد گرفت.

این مقاله در پی بررسی تطبیقی دو اثر از ادبیات جهان، یعنی *افسانه‌های ازوپ* در یونان باستان و *کللیله و دمنه* به قلم نصرالله منشی، در حیطه افسانه‌های عامیانه حیوانات (فابل) است. هدف از این مقایسه، دست یافتن به ژرف‌ساخت‌های طنز در آثار ادبی کهن و دریافت شباهت‌ها و تفاوت‌ها میان این دو اثر ادبی خواهد بود. در این پژوهش، قالب فابل از برترین شیوه‌های طنزپردازی در داستان‌های عامیانه فرض شده است. همچنین متن دو اثر از وجه طنز، با یکدیگر قیاس‌شدنی و با شباهت‌های محتوایی و مضمونی دانسته شده است. این مقاله از انواع تقسیمات محتوایی و ساختاری در موضوع طنز در افسانه‌های حیوانات سخن می‌گوید. سؤال آن است که آیا متن *کللیله و دمنه* و *افسانه‌های ازوپ* به سبب بهره بردن از قالب حکایت حیوانات، در ردیف آثار طنز قرار می‌گیرد یا خیر؟ و اگر قرار می‌گیرد صورت طنز در این دو اثر، چه ویژگی‌هایی دارد و از چه شیوه‌هایی بهره برده است؟

پژوهش حاضر با تأملی در آثار محققان پیشین و نیز نظریه‌های موجود در موضوع طنز و افسانه‌های حیوانات صورت گرفته است. در آثار برخی پژوهشگران، از جمله حلبی (ترجمه

افسانه‌های ازوپ) و اسماعیل آذر (ادبیات ایران در ادبیات جهان)، پاره‌ای از مشترکات مضمونی این دو اثر مطرح شده است.

همچنین در آثار مطرح در حوزه طنز، از جمله تاریخ طنز و شوخ‌طبعی در ایران و جهان اسلام علی‌اصغر حلبی، خنده‌سازان و خنده‌پردازان عمران صلاحی، طنز و انتقاد اجتماعی در ادبیات پیش از مشروطیت حسن جوادی و جز آن‌ها، افسانه‌های حیوانات به‌عنوان یکی از شیوه‌ها و ترفندهای طنزپردازی بررسی شده است.

حسن جوادی در مقاله «طنز و انتقاد در داستان‌های حیوانات» و نجمه سروری در «آفرینش طنز و مطایبه در کلیله و دمنه» به‌طور مشخص، به موضوع طنز در آثاری از نوع فابل در ادبیات فارسی پرداخته‌اند.

2. تاریخچه ظهور افسانه‌های حیوانات

قدیم‌ترین فابل‌ها را در هندوستان و یونان باستان یافته‌اند. ویل دورانت تاریخچه این افسانه‌ها را به هند و کتاب پنجاه‌تتره منسوب می‌کند (1367: 653) و جمال‌زاده در «فابل در ادبیات فارسی»، یونان را بر هند مقدم می‌داند (1351: 267). در حالی‌که شباهت‌های افسانه‌های شرقی و غربی را به‌سبب شباهت در تجربه‌ها و مشاهدات بشر (در میان تمام اقوام و ملل) از حیوانات دانسته‌اند (تقوی، 1376: 103-105).

در ایران باستان نیز یک داستان سغدی یافته‌اند که با عنوان داستان سغدی میمون و روباه ترجمه شده است (عبداللهی، 1381: 185). پژوهشگران این حوزه، سابقه طنز در داستان‌های ایرانی حیوانات را به منظومه درخت آسوریک به زبان پهلوی و مناظره میان گیاه و حیوان بر-می‌گردانند (نبوی، 1380: 347)؛ همچنین موش و گربه عبید زاکانی و برخی دیگر از آثار کلاسیک را به‌صورت پراکنده، دربرگیرنده داستان‌های تمثیلی طنز حیوانات دانسته‌اند. عمران صلاحی مخزن‌الاسرار را مخزن طنز (کنزالطنز) می‌نامد و درباره داستان‌های تمثیلی حیوانات در آن می‌گوید: «نظامی در طنزهای تمثیلی خود، به در می‌گوید تا دیوار بشنود. او حرف‌های خود را در دهان حیوانات ... می‌گذارد تا آدم‌های هم‌زمان خود را بگوید» (1382: 309). در منطق‌الطیر، که مضمون آن عرفانی است و درکل طنز نیست، عطار گاه با استادی، از هریک از مرغان «تپپی» طنزگونه می‌سازد (همان‌جا). نگاه تعلیمی سعدی و آموزه‌های تمثیلی مثنوی



مولوی نیز شامل نمونه‌هایی بسیار از داستان‌های حیوانات است (امینی، 1385). در ادبیات معاصر نیز **ماهی سیاه کوچولو** صمد بهرنگی، **شهر قصه** بیژن مفید و **سگ‌ها و گرگ‌های مهدی** اخوان ثالث سه نمونه از این نوع هستند (جوادی، 1360: 809). قطعه شعر «شهر سنگ» در شعر م. امید، داستان شهری سنگ‌شده از زبان دو کبوتر است و زمینه اصلی آن از مثل‌های عامیانه و ایرانی گرفته شده است. م. امید با ذکاوت و قریحه‌ای سرشار، عناصر شعری را در این مایه‌های فولکلوری و سنتی کشف می‌کند و با بیانی شاعرانه، بی‌تکلف و آکنده از نوعی طنز مایوسانه، از آن چیز تازه‌ای می‌سازد. طنز این قصه و نکته‌هایی که در آن است، آن را حتی از قلمرو آداب محض، وارد زمینه اجتماعی می‌کند (زرین‌کوب، 1379: 161-162). همچنین برخی اشعار پروین اعتصامی در قالب مناظره و بسیاری نمونه‌های دیگر از میان آثار معاصر ادبیات فارسی را در این حوزه می‌توان به‌شمار آورد.

در ادبیات غرب نیز نمونه‌های فراوانی از داستان‌های طنزآمیز حیوانات دیده می‌شود که در دایره المعارف **بریتانیکا**، زیر عنوان **Fable** و در کتاب **تاریخ ادبیات جهان** (تراویک، 1373: 277-278) معرفی شده است.

2-1. افسانه‌های ازوپ

ازوپ (آیسوپوس)²، در حدود 620-560 پیش از میلاد مسیح می‌زیست. زندگی او بیشتر جنبه داستانی دارد تا تاریخی (ازوپ، 1384: 19). هرودوت³، مورخ یونانی، وی را غلامی از جزیره ساموس⁴ دانسته است. ازوپ پس از آزادی از قید اربابش، به مصر و بابل سفر کرده، سپس به آسیای صغیر رفته، مدتی در دربار کروزوس⁵، پادشاه لیدی، به سر برده، و از طرف وی به یونان فرستاده شده است. ازوپ سپس از طرف کروزوس به شهر دلفی⁶، که معبد آپولون⁷ در آن قرار داشت، رفت و در این شهر از طرف مردم به اتهام ناروای هتک حرمت به مقامات مقدس، به طرز فجیعی کشته شد.

از آنجا که شباهت‌های بسیاری میان ازوپ و لقمان حکیم وجود دارد، بسیاری معتقدند که این دو نفر یک شخص بوده‌اند. در دایره المعارف **بریتانیکا** ذیل عنوان **Aesop** و **lukman** آمده است: شاید ازوپ نامی مستعار برای برملا نشدن نام فابل‌نویسی است که بعدها افسانه‌های او به عنوان **افسانه‌های ازوپ** جمع‌آوری شد.

بسیاری از منابع معتبر ازوپ را برده‌ای کوژپشت و زشت‌رو و درعین حال بسیار باهوش و زیرک وصف کرده‌اند. از دیدگاه فروید، برخی انگیزه‌های ظاهری موجب سرخوردگی فرد در اجتماع، یکی از دلایل روان‌شناختی ابراز وجود افراد، در قالب سخنان توجه‌برانگیز است (شاله، 1331: 140). ماری آن بیویس⁸ در مقاله‌ای در ارتباط با زمینه‌های اندیشه برده‌داری در پارابل، حکایت‌های اخلاقی *انجیل* را از دیدگاه برده‌داری بررسی می‌کند. از نظر او، بردگان عموماً افرادی مضحک، رذل و جذاب‌اند (Greene, 2000: 112, 84).

افسانه‌های ازوپ داستان‌هایی ساده، کوتاه و به‌یادماندنی است که به‌سبب دربر داشتن نتایج آموزنده، همواره می‌تواند در زندگی روزمره یادآوری شود. بنابراین کسانی مانند ارسطو در توجیه امور فلسفی و اندیشه‌های کاربردی زندگی بشر، همواره افسانه‌های ازوپ را مد نظر داشته و به آن‌ها استناد و اشاره می‌کرده‌اند (Clyton, 2008: 180). دنیای امروز هنوز به‌گرمی پذیرای پیام‌های این افسانه‌هاست. نه‌تنها سیاست، بلکه در علم مدیریت نیز این افسانه‌ها الهام‌بخش بسیاری از مدیران موفق بوده است. از آن میان، داستان «مرغابی و تخم طلا» را شاهد مثالی برای رهبری مؤثر و مدیریت منابع انسانی می‌دانند. در مبحث مدیریت، داستان مقایسه توله روباه با توله شیر، مطالبی راهبردی در اهمیت کیفیت در تولید را می‌رساند (kitchen & short, 2005: 29, 816). همچنین در ضرب‌المثل‌ها، حکایت‌ها و افسانه‌هایی از این نوع، نمونه‌هایی وجود دارد که از آن‌ها، در امر رهبری می‌توان الگوبرداری کرد. این‌چنین است که مردم با پیروی از اخلاقیات نهفته در دل حکایت‌ها آموزش می‌بینند. (parry, 2007: 3/ 285)

2-2. کلیله و دمنه

کتاب نام‌آشنای *کلیله و دمنه*، از مجموعه حکایات پندآموز و اخلاقی حیوانات و از آثار منحصربه‌فرد در عرصه ادبیات فارسی و بلکه ادبیات جهان است. بسیاری از پژوهشگران فارسی‌زبان این کتاب را مطالعه و بررسی کرده‌اند و مستشرقان زیادی نیز این اثر ارزنده را ترجمه، و به‌عنوان گنجینه‌ای در میراث مشرق زمین، به فرهنگ و زبان مردمان سرزمین خویش معرفی کرده‌اند. اصل این کتاب هندی و منشأ آن سرودهای ودا⁹ بوده و پنجه‌تتره¹⁰ یا پنج‌تترا (پنج داستان) نام داشته است. یکی از برهمنان کشمیر، به نام بیدپای، آن را در حدود 300 میلادی به دستور دابشلیم، پادشاه هند، تألیف کرده و در آن، اصولی از سیاست مدن را با



تمثیلات و حکایات حیوانات گنجانده است (کاشفی، 1362: 5). پس از ترجمه *کلیله و دمنه* به پهلوی در ایران، حکایات آن از همان آغاز، در میان مردم شهرت یافت و هرکس به فراخور ذوق و فهم و بر وفق مراد خود از آن استفاده کرد. عوام برای داستان‌های شیرین آن، خواص برای مضامین حکمت‌آمیز و پندآموز و اهل سیاست و کشورداری برای عبرت گرفتن و تدبیر آموختن از آن بهره می‌بردند (مجتبایی، 1374: 17).

3. طنز¹¹

استفاده از واژه طنز، به عنوان انتقادی که به صورت خنده‌آور و مضحک بیان شود، در فارسی سابقه‌ای طولانی ندارد. در بیشتر فرهنگ‌های اصطلاحات ادبی و دایرة المعارف‌های معتبر جهان - از جمله *بریتانیکا* و *ایرانیکا*، فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی ایبرمز، کتاب *طنز* آرتور پلارد، بیان شمیسا و ... - «طنز» معادل واژه Satire انگلیسی آمده است. «کلمه Satire که از یونانی می‌آید، در اکثر زبان‌های اروپایی معنای واحدی دارد و به مضامین طنزآمیز و انتقادی اطلاق می‌شود» (جوادی، 1374: 11).

توجیه نشانه‌شناسی طنز بر این مبناست که هر فرد بر اساس پیشینه فرهنگی خود، هنجارهایی را می‌پذیرد و در زندگی برای ارتباط برقرار کردن با دیگران از نشانه‌ها استفاده می‌کند. نشانه‌ها نظامی مخصوص به خود دارند و کارایی مشخصی از آن‌ها انتظار می‌رود. حال اگر فرد یا متنی این نظام را برهم زند، ممکن است با متنی طنزآمیز روبه‌رو باشیم (اخوت، 1371: 31-33).

شفیعی کدکنی طنز را «تصویر هنری اجتماع نقیضین و ضدین» می‌خواند و با تکیه به این عقیده منطقی که اجتماع ضدین و نقیضین محال است، ظهور طنز را در همراهی تناقضات و ضدیت‌ها متجلی می‌داند (1380: 302-303).

در میان شیوه‌های طنزپردازی، تمثیل می‌تواند یکی از جذاب‌ترین روش‌ها باشد. زرین-کوب معادل فارسی فابل را «متل» می‌داند (1356: 490-491)؛ با این تعریف، متل‌ها داستان‌هایی غیرواقعی، با قهرمانانی از جانوران، دیوان و پریان‌اند و برای سرگرمی و خوشایند کودکان گفته و یا نوشته می‌شوند (بهزادی، 1378: 517).

پلارد افسانه‌های حیوانات را از تمثیل‌های طنزآمیز می‌داند که با غیرمستقیم‌گویی و کاربرد کنایه به‌عنوان نوعی تقلید مسخره‌آمیز، از اصل انتقاد می‌کنند و بر هدف واقعی خود تأکید دارند (1378: 39). عمران صلاحی نیز آن را نوعی «طنز غیرمستقیم» و «حکایت زبان‌بسته‌ها» می‌خواند (1382: 307-308)؛ زیرا تصویر حیوانی ابزاری برای کاریکاتور¹² و کارتون¹³ است که اعمال ارادی و مقاصد جاه‌طلبانه انسان را تحقیر کند و تجمل‌پرستی‌ها و شهوت‌رانی‌های انسان را تا سرحد غریزه حیوانی تنزل دهد (حلبی، 1377: 65). این واقعیت که ما برای برخی ژانرهای کمیک از نام حیوانات استفاده می‌کنیم نیز از وجه تنزل انسان در حد حیوان بوده است (کریچلی، 1384: 42)؛ این کار به نحوی انجام می‌شود که برخی صفات به‌رخ کشیده‌شده، با خوی و خصلت غریزی حیوان نسبتی داشته باشد؛ برای نمونه روباه حيله‌گر، کلاغ خبرچین، گرگ درنده، موش دزد و ... (عبداللهی، 1378: 42).

4. شیوه‌های طنز در افسانه‌های حیوانات

در خلق افسانه از زبان حیوانات، شیوه‌های محدودی به‌کار گرفته شده است که به‌طور عموم، روندی تکراری در آن به چشم می‌خورد. پیش از این در مقاله «آفرینش طنز و مطایبه در کلیله و دمنه»، شگردهای محدودی چون پایان غیرمنتظره، واژگونی موقعیت یا حضور شخصیت مضحک، ابله یا زیرک در کلیله و دمنه بررسی شده است (حسینی، 1392: چکیده).

این شیوه‌ها را می‌توان دسته‌بندی کرد:

4-1. فابل: برخی ظرفیت‌های فابل در مسیر طنز عبارت است از: 1. جان‌بخشی به اشیا و شخصیت‌دهی به حیوانات در تمثیل فابل؛ 2. استفاده از قابلیت‌های کاریکاتور؛ 3. پیام اخلاقی - انتقادی؛ 4. غیرمستقیم‌گویی؛ 5. عنصر خنده؛ 6. مناظره.

4-2. تناقض: مبنای طنز اجتماع نقیضین و یا ضدین است و حکایت از زبان حیوانات، در ماهیت خود امری متناقض است. اما گاه جز این تناقض کلی، مباحث و موضوعاتی مطرح می‌شود که وجهی از اجتماع نقیضین را در خود دارد. برای نمونه، گاه بعضی شخصیت‌پردازی‌ها مثل گربه زاهد به‌عمد متناقض صورت می‌گیرد و یا سیر کلی حوادث و اتفاق‌ها در داستان متناقض است.

برکاربردترین این تناقض‌ها عبارت است از:



- 4-2-1. اجتماع ضدین:** یعنی مواجهه دو امر متضاد با یکدیگر و جمع شدن آن در یک فرد. برای مثال صفاتی نظیر ذکاوت و حماقت یا شهامت و ترس و....
- 4-2-2. قیاس امور ناسازگار:** مقایسه دو شیء یا دو امر کاملاً متنافر با یکدیگر یا نسبت دادن خصوصیات یکی از آنها به دیگری که فاقد آن است برای القای امری ناممکن. برای نمونه امور انتزاعی یا معنوی با معیارهای مادی قیاس، و نتایج ناممکن استقرایی از آنها دریافت شود.
- 4-2-3. سیر خلاف عادت امور:** مظهر یک ویژگی خاص با ویژگی کاملاً معکوس نمایان شود؛ برای مثال شیر ترسو، خر خردمند و
- 4-2-4. اهداف و نتیجه معکوس:** این شیوه به سیر طولی داستان بازمی‌گردد که حوادث به نتیجه‌ای معکوس منجر، و موجب غافل‌گیری می‌شود.
- 4-3. موتیف¹⁴ یا مضمون تکراری:** تکرار مضامین شیوه بیشتر این افسانه‌هاست که عموماً صفات اخلاقی را توصیه می‌کند (تسلیمی، 1378: 30). پیام یا «تم» داستان نیز از همین مقوله است (همان).
- 4-4. طنز موقعیت و وضع خاص پدیده‌ها:** گاه حوادث داستان در وضع نابهنجار و غیر-معمول اتفاق می‌افتد یا شخصیت‌ها در تنگنای وضعی خاص گرفتار می‌شوند. در ساده‌ترین وجه، این وضع موقعیتی فیزیکی است و در شکل پیچیده‌تر، در تصورات ذهنی، تخیلات و مونولوگ‌های یک شخصیت بروز می‌یابد. برای نمونه، صحنه‌ای مضحک از گرفتاری فیزیکی جانور یا تصویری از گره ذهنی آن را به نمایش می‌گذارد. حتی تحامق و کودن‌نمایی به قصد کتمان ناتوانی جسمی یا تنبلی، که مخاطب را به خنده وادارد، از نوع طنز موقعیت دانسته می‌شود.
- 4-5. طنز کلامی:** عبارات و جملاتی که از زبان برخی شخصیت‌ها گفته می‌شود و بیشتر مختصر و موجز بوده، تمام بار طنز داستان را بر دوش می‌کشد. طنز کلامی به سه شیوه نمود پیدا می‌کند:
- 4-5-1. مناظره:** مناظره نبردی لفظی میان دو جانور است که شخصیتی انسانی یافته‌اند و هریک قصد اثبات حقانیت خود را دارند.
- 4-5-2. کاربرد آرایه‌های ادبی:** کنایه از اصلی‌ترین شیوه‌های این نوع طنز است که با نام

آیرنی¹⁵ شناخته می‌شود. اغراق نیز با تمرکز بر خرق عادات و بزرگ‌نمایی شکل می‌گیرد. با ایجاز بیشترین معنا در کوتاه‌ترین لفظ می‌گنجد. همچنین با حسن تعلیل، تعبیری فلسفی برای دشمنی طبیعی برخی جانوران با یکدیگر یا علتی مضحک برای شکل ظاهری یک جانور تراشیده می‌شود.

4-3-5. سبک و ساختار نگارش: حکایت‌ها گاه منظوم‌اند همچون *موش و گربه* عبید زاکانی و گاه مثنوی مانند حکایات *کلبله و دمنه*. گاه طول حکایت کوتاه، و گاه داستان تودرتو و طولانی است. گاه زبانی ساده و روان، و گاه زبانی فخیم همچون *کلبله* یا *مثنوی* دارد که هر یک می‌تواند در زیبایی و تأثیر طنز کلامی مؤثر باشد.

5. شباهت‌ها و تفاوت‌های طنز در افسانه‌های ازوپ و کلبله و دمنه

طنزپردازان با ابزار ظرایف و لطایف زیرکانه ادبی سروکار دارند و اگر مفهوم یا روشی که طنز-پرداز برای کار خود در نظر دارد، با سخن دیگری هیچ تفاوتی نداشته باشد، به‌طور قطع، کار وی دست‌دوم و کهنه به نظر می‌رسد. اما اگر دو طنزپرداز از ابزارها و شیوه‌های مشترک برای شوخ‌طبعی خود بهره برده باشند و درعین‌حال، این دو اثر همواره گیرا و تأثیرگذار باشند، این قدرت نویسندگان را نشان می‌دهد.

شباهت‌های کلی دو اثر

5-1. حکایت‌های متناظر

برجسته‌ترین اشتراکات دو اثر، وجود شمار قابل توجهی حکایات کاملاً یکسان است که یا نویسندگان آن‌ها را از یکدیگر اقتباس کرده، یا این حکایات منشأ مشترکی داشته‌اند (رک: جمال‌زاده، ۱۳۵۱ ش ۲: ۲۶۷ و ۱۳۵۲ ش ۴: ۸۱۱ و ۱۳۵۲ ش ۶: ۱۱۰۰ و ۱۳۵۳ ش ۷: ۱۳۳).

در این جدول، افسانه‌هایی متناظر از ازوپ و کلبله و دمنه مقابل هم آورده شده است:

افسانه‌های ازوپ	کلبله و دمنه
1. تنها آواز و دیگر هیچ (ص 81)	روباهی که در بیشه‌ای طبلی دید (ص 78).



2.	آنجا بنشین که برنخیزی (ص 84) یا پاداش طبیعت به ناخرسند (ص 126)	زاغی که آرزوی روش کبک داشت (ص 343).
3.	غریزه تقلیدگر (ص 89)	بوزینه‌ای که درودگری پیش گرفت (ص 62).
4.	پند بیهوده (ص 111)	دو بط و باخه دوست آنان (ص 110)
5.	گریزه ولی نه شرمگین (ص 102)	شیر گرگرفته و روباه و خر (ص 253)
6.	اصل و سایه (ص 170)	سگی که بر لب جوی استخوانی یافت (ص 53).
7.	خائن فرصت نیابد (ص 214).	بازرگانی که صد من آهن داشت (ص 122).
8.	شبیاد (ص 229)	طیب حاذق و مدعی جاهل (ص 146)
9.	بسیاری افزون‌تر می‌خواهند (ص 241).	پارسامرد و کوزه شهد و روغن (ص 263)

جدول 1:

5-1-1. مضامین مشترک

در داستان‌های هر دو اثر، مضامین مشترک اخلاقی و انتقادی را شاهد هستیم که یک یا دو مضمون اصلی‌اند و بقیه فرعی به شمار می‌آیند. عموم این مضامین با پندی اخلاقی آمیخته‌اند و در ستایش فضایل و نکوهش رذایل هستند؛ از این رو بن‌مایه‌های انتقاد در طنز را فراهم می‌کنند.

5-1-2. «فابل» بودن بیشتر حکایت‌ها

همان گونه که یاد شد، بخش اصلی حکایات هر دو اثر را تمثیل‌های حیوانات تشکیل می‌دهد. از نظر فابل یا غیرفابل بودن در هر دو اثر، ما با چهار نوع «شخصیت‌پردازی» روبه‌رو هستیم که تحت عنوان شخصیت‌پردازی مشترک به آن‌ها اشاره می‌شود.

5-1-3. شخصیت‌پردازی‌های مشترک

شخصیت‌های دو اثر به چهار دسته تقسیم می‌شود: 1. فابل با کاراکترهای حیوانات؛ 2. فابلی که حیوانات در کنار انسان‌ها نقش‌آفرینند؛ 3. حکایت‌های غیرفابل با حضور انسان و حیوان (در نقش حیوانی خود)؛ 4. غیرفابل، با شخصیت‌های انسان. در *افسانه‌های ازوپ*، شخصیت‌های خدایان، گیاهان و یا عناصر طبیعی و ... نیز وجود دارد که در بخش افتراقات مطرح می‌شود.

5-2. تفاوت‌های کلی دو اثر

با وجود شباهت‌های زیاد، درصد بالایی از حکایات نامتناظر بوده و تفاوت‌هایی در آنها به چشم می‌خورد.

5-2-1. مضامین اصلی متفاوت

نخست، مضامین مختص فرهنگ و یا جامعه محل ظهور هریک از دو اثر سبب افتراق مضمونی است. از آن جمله می‌توان به مضامین قصه‌های اسطوره‌ها در *افسانه‌های ازوپ* اشاره کرد. افسانه‌هایی که در آنها شخصیت‌های خدایان و نیمه‌خدایان نقش‌آفرینی می‌کنند. به اعتقاد یونانیان باستان، خدایان و نیمه‌خدایان سررشته امور زندگی همه موجودات را بر عهده داشته و آنها را اداره می‌کرده‌اند. آنها خدایانشان را با این ویژگی‌ها می‌شناختند: زئوس¹⁶ خدای هوایی یا اثیری که از کوه المپ، توفان‌ها و بادهای راهبری می‌کرده است؛ هرمس¹⁷ پسر زئوس از مادر بسیار نیرومند و حيله‌گری زاده شده و در روی زمین، حامی دزدان و راهزنان بوده است و پرومتئوس¹⁸ یک نیمه‌خدای مورد قبول عامه در حيله و ماهر در صنعت‌گری که آدمیان و جانوران را از گل رس آفریده است و ... (ازوپ، 1384: 285-290).

در *کلیله و دمنه* نیز حکایت‌هایی با مضمون خاص، خیانت‌های زنان و رفتارهای غیراخلاقی مربوط به امور جنسی را نشان می‌دهد. البته این گونه خیانت‌ها در جامعه پنجاب، تحت ادبیات بودایی¹⁹ و جین²⁰ مطرح بوده‌اند²¹ (بهبهانی، 1375: 18).

5-2-2. شخصیت‌های متفاوت

از شخصیت‌های متفاوت در افسانه‌های ازوپ، خدایان و نیمه‌خدایان یونان باستان (زئوس، هرمس، پرومتئوس و ...)، برخی جانوران (اسب، استر، وال، سوسک، زنجره، مورچه، پشه، بزغاله، چکاوک، قو، لک‌لک، شاهین، گراز و ...)، گیاهان (نسترن، درخت صنوبر، بوته خار، نی، درخت زیتون، گل تاج‌خروس و ...)، اندام‌های بدن (شکم و پا) و فصل‌ها (بهار و زمستان) هستند.

شخصیت متفاوت در *کلیله و دمنه* «زاهد» است که نامش بارها در حکایات مطرح شده



است. البته نمی‌توان به‌طور قطع، این شخصیت را ساخته ابن‌مقفع یا نصرالله منشی دانست؛ چون در ادبیات هند، شمن و راهب بودایی و مرتاضان هندی، شخصیتی نزدیک به زاهد دارند و حکایت «زاهد و راسو» از دیدگاه برخی، ساخته دیدگاه‌های جامعه هندی است و همچنین حکایت «زاهد و بچه‌موشی که دختر شد»، بیانگر اورداد و اذکار رایج در چنین جامعه‌ای است (محبوب، 1382: 203).

3-2-5. سبک و ساختار حکایات

اصلی‌ترین تفاوت دو اثر، شیوه نگارش و ساختار داستان‌هاست. *افسانه‌های ازوپ* شامل قصه‌هایی بسیار کوتاه با تعداد شخصیت‌های محدود است. گاه داستان تنها یک شخصیت دارد و ماجرا در درگیری ذهنی آن شخصیت شکل می‌گیرد.

سادگی و روانی سیر داستان و دریافت صریح مضمون از سوی مخاطب نیز وجه دیگر ساختار این افسانه‌هاست. عموم افسانه‌ها ساختار و پی‌رنگی تکراری دارند؛ به‌این ترتیب که یک کاراکتر (انسان یا حیوان) با ویژگی‌های بد اخلاقی در ابتدای ماجرا حضور می‌یابد، خطایی از او سر می‌زند و در نهایت به شکست وی یا پشیمانی‌اش منجر می‌شود یا با شخص دوم یا سوم مسخره‌کننده‌ای که با تمسخر او را نکوهش می‌کند، روبه‌رو می‌شود. همچنین برخی از افسانه‌ها ماجرای حيله و نیرنگی است که با عمل یا پاسخی حکیمانه خنثی می‌شود. برای نمونه در افسانه شماره 9 می‌خوانیم:

شیری که در شکار ناتوان شده بود تصمیم گرفت برای سیر کردن خود از حيله و هوشمندی کمک بگیرد. با خوابیدن در غاری و وانمود کردن به بیماری، حیوانات را می‌فریفت و به نزد خود به کام مرگ می‌کشید؛ اما روزی روباه نزد وی رسید و داخل غار نشد و در جواب شیر که علت را جویا شد گفت: «می‌خواستم داخل شوم، ولی جای پای بسیاری را دیدم که درآمده‌اند و هیچ‌یک بیرون نیامده‌اند» (ازوپ، 1384: 41).

در *کليلة و دمنه* با داستان‌های بسیار پیچیده‌ای روبه‌رو می‌شویم. اطناب‌های ناشی از نگارش سبک فنی، شیوه حکایت در حکایت، کاربرد امثال و اشعار در خلال داستان و توصیفی بودن بسیاری از جملات، کاربرد صنایع ادبی بسیار از جمله سجع و ترصیع و مترادفات پی‌در-پی و... سبب پیچیدگی و دیریابی مضامین شده است. تفاوت دیگر فراوانی کاراکترهای هر حکایت است. برای نمونه پیچیدگی و تودرتویی ساختار حکایت «شیر و گاو» که از حکایت-

های فرعی «بوزنه‌ای که درودگری پیش گرفت»، «روباهی که در بیشه‌ای طبلی دید»، «زاهدی که پادشاهی او را کسوتی داد»، «زاغی که بر بالای درختی خانه داشت» و... تشکیل شده است و گاه حکایت‌های فرعی نیز شامل چند حکایت می‌شود.

3-5. اشتراکات طنز در دو اثر

3-5-1. ژانر فابل: قالب فابل با ویژگی‌های خود، که در بخش اشتراکات بررسی شد، حق طنز را تمام و کمال ادا کرده است. البته شمار محدودی حکایت، در هر دو کتاب وجود دارد که در قالب فابل نمی‌گنجد و تنها در موضوعات اخلاقی، به دیگر شگردهای طنز بسنده کرده است.

3-5-2. تناقض: تناقض اصلی در فابل «نسبت دادن امور انسانی به حیوانات» است. در این شیوه، رفتارهای غیرممکنی از یک حیوان سر می‌زند و به واسطه نقض واقعیت و باورپذیر نبودن، در ذهن مخاطب جای باز کرده، گاه خنده‌انگیز می‌نماید.

شیوه‌هایی که بر مبنای تناقض در طنز می‌توان به آن‌ها استناد کرد عبارت‌اند از:

3-5-2-1. اجتماع ضدین: برای نمونه، اجتماع دو صفت حماقت خر و ادعای شرافت او در افسانه شماره 4 از *افسانه‌های ازوپ* یا درندگی شیر و ریاضت کشیدن او که در حکایت «تیرانداز و ماده‌شیر» آمده است.

3-5-2-2. قیاس امور ناسازگار: برای این نوع قیاس، سنجیدن امور انتزاعی با معیارهای مادی را می‌توان مثال آورد. در افسانه شماره 127 از *افسانه‌های ازوپ*، «در کالبد انسان ریختن عقل همچون اکسیر» از چنین قیاسی بهره گرفته است. همچنین تصویر را اصل دانستن در حکایت «سگی که بر لب جوی استخوانی دید» یا «خرگوشی که به حیل، شیر را هلاک کرد» در *کلیله و دمنه* و افسانه‌های شماره 24 و 96 در *افسانه‌های ازوپ* نوعی قیاس ناسازگارند. گاه در این شیوه به شکلی ظریف‌تر، رفتارهای غریزی حیوان به برخی اعمال انسان تعبیر شده است. در *کلیله و دمنه* علاقه بوزینه به درودگری مصداقی از تقلیدگری وی است یا در افسانه شماره 73 *ازوپ*، نسبت دادن زناکاری به خروس از این قیاس بهره برده است.

3-5-2-3. سیر خلاف عادت امور: این شیوه هنجارشکنی نویسنده در کاربرد نمادها و



مظاهر صفات در حکایت‌های حیوانات بوده است. برای مثال، در افسانه‌هایی که شیر (نماد قدرت، درندگی، شجاعت و پیروزی) را پیر و ازکارافتاده، ضعیف، ترسو و ناکام نشان می‌دهند، مثل افسانه شماره 16 و 17 در *افسانه‌های ازوپ* و حکایت‌های «شیر گرگرفته و روباه و خر» و «تیرانداز و ماده شیر» در *کلیده و دمنه*.

5-3-2-4. اهداف و نتیجه معکوس: معکوس بودن نتیجه رفتار شخصیت‌ها در این قصه‌ها، بار طنز دارد. از آن نمونه می‌توان به ماجرای طمعی اشاره کرد که به از دست دادن سرمایه منتهی می‌شود. این ویژگی در حکایت «سگی که بر لب جوی استخوانی یافت»، «دو شریک یکی زرنگ و دیگری ساده لوح» و... دیده می‌شود.

5-3-3. پیام اخلاقی - انتقادی: عموم افسانه‌ها حامل پیامی است که در عین اخلاقی بودن، به واسطه برخی ویژگی‌های طنز از جمله کنایه‌ها، ریشخندها و تعریضات، می‌تواند نقدی بر معضلات اجتماعی یا رفتارهای فردی داشته باشد. برای مثال در افسانه شماره 11 ازوپ، که مضمونش کشته شدن خر به سبب بی‌خردی و جان به در بردن روباه با عبرت گرفتن از اوست، به پند گرفتن از عاقبت شوم بی‌خردی توصیه شده است. گاه یک حکایت چند پیام را القا می‌کند؛ مانند افسانه شماره 32 از *افسانه‌های ازوپ* که به پرهیز از معاشرت با ناهلان توصیه می‌کند و همچنین این پیام را می‌رساند که چاه کردن برای دیگران، گرفتاری خود فرد را در پی دارد و نیز بیانگر این مثل است: «کبوتر با کبوتر، باز با باز...».

5-3-4. کاربرد مضامین مشترک با قابلیت طنز: برخی مضامین در دو اثر به هدف اصلی طنزپردازی، که همان انتقاد است، بهتر پاسخ می‌دهد. در حکایت‌های *کلیده و دمنه* و *افسانه‌های ازوپ*، نقد و نکوهش کاستی‌های اخلاقی از جمله حرص و آز، ظلم و جور، حماقت، تقلید کورکورانه، حيله و نیرنگ و ... کاربردی فراوان داشته است؛ پس این دو اثر را می‌توان از مضمون‌های مشترک در طنز بهره‌مند دانست.

5-3-5. طنز موقعیت یا وضع خاص پدیده‌ها: تصویر مضحک درماندگی و بیچارگی یا حرکات فیزیکی مضحک و احمقانه و تنگناهای ذهنی و تصاویر خیالی ترسیم‌شده در داستان، همه عناصری هستند که تحت عنوان طنز موقعیت ارزیابی می‌شوند. در افسانه شماره 46 «آنجا بنشین که برنخیزی» آمده است:

قورباغه‌ای در چمنزار گاوی را دید و به شاخ‌های بزرگ او حسد برد. پس تن خود را باد

کردن آغاز کرد تا به جایی که همه چین‌های بدنش ناپدید شدند. آنگاه از کودکان خود پرسید که آیا از گاو چاق‌تر شده است؟ آن‌ها گفتند: نه. این بار با کوشش بیشتر تمام پوست خود را کشید و پرسید که اکنون کدام چاق‌تر است. کودکان گفتند: گاو. سرانجام او خشمگین شد و کوشش دیوانه‌واری کرد که بیشتر باد در خود بیندازد، ولی ترکید و مرد (ازوپ، 1384: 84).

در حکایت‌های «مردی که با یاران خود به دزدی رفت»، «بوزینه‌ای که درودگری پیش گرفت»، «زاهدی که پادشاهی او را کسوتی داد» و... از کلیله و دمنه نیز با طنز موقعیت روبه-رویم.

موقعیت‌های طنزآمیز در حکایات دو کتاب، در این بخش‌بندی می‌گنجد:

5-3-1. تصاویر تنگناهای مضحک: تصویر خیال دزد زمانی که خود را نامرئی تصور می‌کند، در حکایت «مردی که با یاران خود به دزدی رفت» از کلیله و دمنه؛ تنگنای حسادت شتر به خری که می‌رقصد، در افسانه شماره 3؛ تصویر باد شدن پی‌درپی قورباغه، در افسانه شماره 46 و بسیاری موارد دیگر در این بخش جای می‌گیرد.

5-3-2. غافل‌گیری: غافل‌گیری سگ هنگام از دست دادن استخوان، در حکایت «سگی که در کنار جوی استخوانی یافت»؛ غافل‌گیری نقاش در حکایت «زن بازرگان، نقاش و غلام او» و نیز حکایت «روبا و طبل» از کلیله و دمنه، نمونه‌هایی از آن است. در داستان اخیر، روباه با شنیدن صدای طبل، دیدن آن و دریافت اینکه درون آن چیزی نبوده است، در تنگنای ذهنی و منطقی خویش به این نتیجه استقرایی می‌رسد: «هرکجا جثه ضخمت‌تر و آواز آن هایل‌تر، منفعت آن کمتر» (نصرالله منشی، 1383: 71). در افسانه‌های ازوپ نیز غافل‌گیری خر با شنیدن پاسخ روباه در افسانه شماره 4 و غافل‌گیری کلاغ مغرور در افسانه شماره 6 و... از این نوع هستند. در افسانه شماره 1، به روباهی گرسنه و لاغر، که به طمع غذا در تنه درخت گرفتار شده است، پیشنهاد می‌شود: «در آنجا باقی بمان تا دوباره لاغر شوی» (ازوپ، 1384: 30).

5-3-3. تحامق: در حکایت «مردی که می‌خواست تازی گوید» (کودن‌نمایی مرد هنگام ناتوانی از پاسخ و کتمان این امر با گفتن جمله «تخته زرد در خانه است») و «سه ماهی که در آبگیری بودند» (تحامق ماهی دوم و خود را به مردن زدن) و بسیاری موارد دیگر در کلیله و دمنه، کاربرد این شیوه دیده شد. در افسانه‌های ازوپ نیز افسانه شماره 5 (نادان‌نمایی



روباهی که همه را به کندن دم خود دعوت می‌کند) و افسانه شماره 11 (تحامق روباه در تقسیم طعمه) از این شیوه بهره برده است.

5-3-6. طنز کلامی: طنز حکایت‌ها از چند جنبه مشترک است:

5-3-6-1. **مناظره:** این شیوه از طنز در *افسانه‌های ازوپ*، بیشتر در جملات پایان هر افسانه آمده است و بار اصلی طنز را بر دوش می‌کشد. در حکایات *کلیده‌ودمنه* نیز این نوع طنز، در گفت‌وگوی میان بیشتر شخصیت‌ها وجود دارد.

5-3-6-2. **آرایه‌های ادبی:** طنز در این قالب، بیشتر بر کنایه، تعریض، ریشخند و تهکم متکی است. در تعریض‌ها و کنایه‌هایی که کاراکترها در *کلیده‌ودمنه* در خلال گفت‌وگوهایشان به کار می‌برند، کاربرد این نوع طنز دیده می‌شود. البته وضوح و رسایی آن به روشنی کاربرد این عناصر در *افسانه‌های ازوپ* نیست؛ زیرا در *افسانه‌های ازوپ*، ایجاز و اختصاری به کار رفته که برای رساندن پیام کنایی طنز بسیار کارآمد است. در *کلیده‌ودمنه* به سبب نوع نثر، کاربرد صنایع بدیعی و بیانی از جمله ارسال‌المثل، تشبیه و استعاره، حسن تعلیل و اطناب و... دیده می‌شود. برای مثال در حکایت «زاهدی که پادشاهی او را کسوتی داد»، ضرب‌المثل‌ها و ابیات فارسی و عربی در خلال حکایت، برای شاهد مثال آمده‌اند؛ مانند «جَزَاءُ مُقْبِلُ الْإِسْتِ الضُّرَّاطُ» یا «برخیز و بیا چنان که من دانم و تو». همچنین تشبیهات و توصیفات مطمئن و مبالغه‌آمیز - که عموماً در مقدمه حکایت آمده‌اند- در خلال حکایت دیده می‌شود؛ برای مثال در حکایت «کبوتر و زاغ و موش و باخه و آهو» آمده است: «آورده‌اند که در ناحیت کشمیر متصدیدی خوش و مرغزاری نزه بود که از عکس ریاحین او پر زاغ چون دم طاووس نمودی و در پیش جمال او دم طاووس به پر زاغ مانستی.

درفشان لاله در وی چون چراغی	ولیک از دود او بر جاننش داغی
شقایق بر یکی پای ایستاده	چو بر شاخ زمرد جام باده
شَقَائِقُ يَحْمِلْنَ النَّدَى فَكَأَنَّهُ	دُمُوعُ التَّصَابِي فِي خُدُودِ الْخَرَائِدِ

(نصراالله منشی، 1383: 158)

گاه این تشبیه‌ها و توصیف‌ها به‌خودی‌خود باری از طنز نداشته، اما در جایی استفاده شده است که سیر عمودی کلام، القای مفهوم طنز را به همراه دارد. برای مثال در حکایت «بازجست کار دمنه» در جایی که دمنه در زندان گرفتار شده است و کلیله برای او ناله و زاری

می‌کند، آمده است:

«گر برکنم دل از تو و بردارم از تو مهر آن مهر بر که افکنم آن دل کجا برم»

(نصراالله منشی، 1383: 128)

البته بیشتر این موارد در **کلیده و دمنه** به اطناب کلام می‌انجامد. این صنعت از افتراقات در طنز کلامی در دو اثر شناخته، و در جای خود بررسی شده است.

5-4. افتراقات طنز در دو اثر

با وجود شباهت‌های فراوان در کاربرد طنز در دو اثر، تفاوت‌هایی نیز در این شیوه‌ها مشهود است. البته این تفاوت‌ها بیشتر به وجوه سبکی و نگارشی باز می‌گردد که باید برحسب تأثیرگذاری نکات سبکی، بر قوت طنز ارزیابی شود. همچنین تشخیص میزان این تأثیرگذاری در چگونگی القای پیام، یا قدرت خنده‌انگیزی حکایت، خودنمایی می‌کند.

تفاوت‌های تأمل‌پذیری که در تأثیر طنز دو اثر نقشی برجسته ایفا می‌کنند، عبارت‌اند از:

5-4-1. طول حکایت‌ها: تفاوت طول کمی حکایت‌ها در دو اثر کاملاً مشهود است.

کوتاهی افسانه‌های ازوپ سبب سرعت انتقال پیام و بروز خنده زود هنگام می‌شود؛ تا جایی که خواننده منتظر پایان ماجرا نمی‌ماند و در نیمه ماجرا، خنده طنز بر لبانش می‌نشیند. البته این امر مسلم است که همواره بنای طنز باید بر کوتاهی و رسایی کلام و دوری از تعقید و گرافه‌گویی باشد تا تیر خنده و پتک انتقاد را محکم‌تر بر هدف بنشاند. اما در **کلیده و دمنه** حکایت‌ها بسیار طولانی و مفصل‌اند. طولانی بودن این حکایات، که بیشتر ناشی از شیوه داستان‌درداستان و به قولی سیر «موزاییکی»²² حکایت‌هاست، سبب پراکندگی ذهن از سیر اصلی ماجرا و کم شدن تأثیر طنز شده است. البته شاید این امر ناشی از کم‌حوصلگی مخاطبان امروزی **کلیده** باشد و مخاطبان قدیم این اثر، با چنین شیوه‌ای مأنوس بوده باشند. همچنین باید گفت که در **کلیده** لفاظی‌ها، تشبیهات، توصیفات و ارسال‌المثل‌های بسیاری وجود دارد که گرچه به‌عمد صورت می‌گیرد و گاه می‌تواند در حیطه اطناب در راستای تأثیرگذاری طنز مؤثر واقع شود، در مجموع سبب طولانی شدن حکایات شده، این عریض و طویل بودن‌ها، از نقاط ضعف طنز به شمار می‌آید.

5-4-2. کاربرد طنز کلامی: در افسانه‌های ازوپ، عبارات و واژگانی را می‌بینیم که به-



تنهایی می‌توانند بار اصلی طنز را بر عهده بگیرند. گاه یک واژه به تنهایی خنده‌انگیز است و تمام طعنه‌ها و تعریضات ماجرا را القا می‌کند. برای نمونه جمله کنایی «ریش تو از عقلت درازتر است» در افسانه شماره 6، صفت «پشم‌پایان» در افسانه شماره 18 و فعل «ترکیدن» در افسانه شماره 33 از این نمونه‌اند. اما بیشتر، جملات پایان داستان‌ها این وظیفه را بر عهده دارند؛ جملاتی که با ریشخند، تمسخر فرد یا گروه یا اندیشه‌ای همراه‌اند. برای مثال در افسانه شماره 19 آمده است: «تو در یافتن جواب‌ها ماهر، ولی به‌هرحال من تو را می‌خورم» و در افسانه شماره 20 گرگ به لک‌لک می‌گوید: «آیا خوشحال نیستی که سر خود را سالم بیرون آوردی» و... اما در **کلیله و دمنه** کاربرد طنز در عبارات و جملات این‌چنینی کمتر به چشم می‌خورد و بیشتر، تشبیهات و توصیفات وظیفه طنز کلامی را بر عهده دارند. کنایه‌ها و تعریض‌ها نیز بیشتر در کلیت ماجرا می‌توانند تأثیرگذار باشند تا به تنهایی. در مجموع در **کلیله**، طنز کلامی بیشتر برحسب کاربرد صنایع بدیعی و بیانی بوده، و به‌صورت غیرمستقل و وابسته به سایر عناصر مؤثر واقع شده است.

اما وجه اصلی تفاوت‌های طنز کلامی دو کتاب، در این ابعاد بررسی می‌شود:

5-4-2-1. کاربرد ایجاز یا اطناب: در **افسانه‌های ازوپ**، صنعت ایجاز غالب است. این ایجاز هم با کوتاهی حکایت‌ها ارتباط دارد و هم از وجه هنری، صنعت ایجاز در کلام ایجاد شده است که در **کلیله و دمنه** عکس آن را می‌بینیم. آن دسته از اطناب‌ها که در سیر توصیف‌ها و تشبیه‌ها و در راستای دیگر عناصر طنز قرار گرفته‌اند، می‌توانند برای اهداف آن کارایی داشته باشند. این اطناب‌ها در جایی می‌توانند به کار طنز بیایند که یا بحث بسیار هیجان‌انگیز است و مخاطب به سبب موضوع، ماجرا را با اشتیاق بیشتری دنبال می‌کند، یا جایی که مطلب بسیار مشخص و یا مضحک است و به شرح بیشتر نیاز ندارد و این اطناب موجب استمرار خنده طنز می‌شود.

5-4-2-2. زبان و ساختار نگارشی: در **افسانه‌های ازوپ**، کاربرد زبان ساده و روان طنز را گیراتر کرده است. شیوایی متن ترجمه نیز در آن دخیل است، اما به نظر نمی‌رسد افسانه‌های کوتاهی که به این رسایی از پس پرده ترجمه پیام طنز را می‌رسانند، در نگارش زبان اصلی چندان پیچیده بوده باشند. در **کلیله و دمنه**، کاربرد زبان رسمی و سبک نگارشی داستان-دردستان و ویژگی‌های نثر فنی، از تأثیر طنز کلامی کاسته، و آن را کم‌رنگ جلوه داده است.

3-4-5. کاربرد مضامین ممنوع و تابو: توجه طنز به موضوع‌های ممنوع و تابو، در تمامی فرهنگ‌ها وجود دارد. در هر دو اثر، این گونه مضامین را شاهد هستیم، اما یکی از تفاوت‌های مهم در مبانی طنز دو اثر، تفاوت در طرح این گونه مضامین است. در میان حکایت‌های *کلیده-ودمنه* این مضامین پرورش بسیار یافته، ولی در *افسانه‌های ازوپ* بسیار محدود و گذراست. به تصویر کشیدن خیانت‌های زنان در *کلیده‌ودمنه*، با پیش‌زمینه‌های ذهنی هندیان در قصه‌های چین و بودا مرتبط است. البته طرح آن با دیگر شگردهای طنز، از جمله طنز موقعیت خنده‌انگیز است.

6. نتیجه

افسانه‌های ازوپ و *کلیده‌ودمنه* دو نمونه برجسته از آثار کلاسیک جهانی در زمینه افسانه‌های حیوانات، و دربرگیرنده قصه‌هایی مشابه و بسیار نزدیک از جهت موضوع، مضمون و دیگر مشخصات‌اند. کاربرد شیوه‌های طنز در این دو اثر، از جهات بسیاری به یکدیگر نزدیک است. هر دو اثر از قالب فابل متأثرند و شخصیت‌بخشی به حیوانات، شیوه کاریکاتورسازی، اشتغال بر پیام اخلاقی- انتقادی، استفاده از شیوه غیرمستقیم‌گویی، کاربرد فن مناظره و عنصر خنده و ... و نیز شیوه‌هایی در طرح تناقضات و ضدیت‌ها، موتیف‌های تکراری، طنز موقعیت، طنز کلامی و ... منجر به شکل‌گیری طنز در این دو اثر شده است. در *افسانه‌های ازوپ* بیشترین وجه طنز در کاربرد جمله‌واره‌های موجز، کنایه‌آلود و همراه با ریشخند در نهایت ایجاز و اختصار است. در *کلیده‌ودمنه*، بیشترین بار طنز بر عهده شخصیت‌پردازی در افسانه‌های حیوانات و نیز مضامین تابو بوده، و طنز موقعیت ناشی از این مضامین نیز چشم‌اندازهای غافل‌گیرکننده و خنده‌انگیزی را ایجاد کرده است. البته طرح مفاهیم اخلاقی، اطناب و طولانی بودن حکایات به سبب ساختار داستان‌درداستان و کاربرد صنایع ادبی بسیار، در طنز *کلیده‌ودمنه* خدشه وارد کرده است.

مقایسه موضوعات طنز در آثار برجسته ادبی جهان، علی‌رغم وابستگی بسیار ظرافت‌های طنز به حوزه‌های زبانی و جنبه‌های هنری کلام، در فن ترجمه گاه بی‌تأثیر می‌شوند و از قوت و تأثیر آن می‌کاهند، اما همچنان می‌توانند یکی از زمینه‌های مهم و جذاب مطالعات تطبیقی ادبیات جهان باشند.



پی‌نوشت‌ها

1. Henry Berkson (1859-1941) فیلسوف فرانسوی
2. Aesopos(560-620 b.c)
3. Herodorus
4. Samos
5. Krosos(546-560 b.c)
6. Delphes
7. Apollon
8. Mary Ann Beavis
9. veda
10. panchatantra
11. Satire
12. Caricature
13. Cartoon
14. Motif
15. Irony
16. Zeus
17. Hermes
18. Prometheus
19. Buddhist
20. Jain

21. در این ادبیات، زنان منشأ تمام مفاسد و بدی‌ها دانسته شده‌اند.

22. منظور از این اصطلاح، شیوه تودرتو و به عبارتی حکایت‌درحکایت است که داستانی دیگر در درون داستان اصلی آورده شده و مکمل پیام آن بوده است. به این ترتیب، داستان‌ها در کنار یکدیگر بیانگر اصل مفهوم بوده‌اند و همچون مهره‌های پازل شکل کلی ماجرا را ترسیم می‌کنند.

منابع

- آذر، امیراسماعیل (1378). *ادبیات ایران در ادبیات جهان*. تهران: سخن.
- اخوت، احمد (1371). *نشانه‌شناسی مطایبه*. اصفهان: نشر فردا.
- ارسطو (1375). *فن شعر*. ترجمه عبدالحسین زرین‌کوب. تهران: امیرکبیر.
- ازوپ (1384). *افسانه‌های ازوپ، داستان‌سرایی یونانی*. ترجمه و تحشیه علی‌اصغر حلبی. تهران: اساطیر.
- استات، اندرو (1389). *کمدی*. ترجمه بابک تیرایی، تهران: چشمه.
- امینی، اسماعیل (1385). *خندمین‌تر افسانه (جلوه‌های طنز در مثنوی)*. تهران: سوره مهر.
- بهبهانی، مهدیه (1375). *اجتماعیات در کلیله و دمنه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

- بهزادی اندوهجردی، حسین (1378). *طنز و طنزپردازی در ایران*. تهران: صدوق.
- تسلیمی، امیرحسین (1378). *درآمدی بر ادبیات تمثیلی*. تهران: سرواد.
- تقوی، محمد (1376). *حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی*. تهران: روزنه.
- جمال‌زاده، محمدعلی (1351-1353). «فابل در ادبیات فارسی». *گوهر*. س 1 و 2. ش 1-7، 9، 11.
- جوادی، حسن (1360). «طنز و انتقاد اجتماعی در ادبیات پیش از مشروطیت». *آینده*. س 7. ش 5. صص 335-343. ش 7. صص 661-668. ش 8. صص 809-814.
- (1374). *تاریخ طنز در ادبیات فارسی*. تهران: کارون.
- حسینی سروری، نجمه و یحیی طالبیان (1392). «آفرینش طنز و مطایبه در *کلیله و دمنه*». *کاوش‌نامه*. س 14. ش 27.
- حلبی، علی‌اصغر (1377). *تاریخ طنز و شوخ‌طبعی در ایران و جهان اسلام (تا روزگار عبید زاکانی)*. تهران: بهیانی.
- دورانت، ویل (1367). *تاریخ تمدن (مشرق زمین گاهواره تمدن)*. ترجمه احمد آرام، ع پاشایی و امیرحسین آریان‌پور. ج 2. تهران: آموزش انقلاب اسلامی (علمی-فرهنگی).
- زرین‌کوب، عبدالحسین (1356). «سیاحت بیدپای». *نه شرقی نه غربی*. تهران: امیرکبیر. صص 489-518.
- (1379). *شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب*. تهران: علمی.
- شاله، فلیسین (1331). *فروید و فرویدیسم*. ترجمه اسحاق وکیلی. تهران: رنگین.
- شفيعی کدکنی، محمدرضا (1380). «طنز حافظ». *تک درخت*. تهران: یزدان.
- صلاحی، عمران (1382). *خنده‌سازان و خنده‌پردازان*. تهران: علم.
- عبداللهی، دست‌غیب (1378). «طنز و شعر اجتماعی». *کیهان فرهنگی*. ش 258. صص 40-47.
- عبداللهی، منیژه (1381). *فرهنگ‌نامه جانوران در ادب فارسی (بر پایه واژه‌شناسی، اساطیر، باورها، زیباشناسی و...)*. تهران: پژوهنده.
- کاشفی، کمال‌الدین (1362). *انوار سهیلی یا کلیله و دمنه کاشفی*. تهران: امیرکبیر.
- کریچلی، سیمون (1384). *در باب طنز*. ترجمه سهیل سمی. تهران: ققنوس.
- مجتبایی، فتح‌الله (1374). *رای و برهمن (گزیده کلیله و دمنه با انشای نصرالله منشی)*. تهران: سخن.
- محجوب، محمدجعفر (1382). *ادبیات عامیانه ایران*. به کوشش حسن ذوالفقاری. تهران: چشمه.



- نبوی، ابراهیم (1380). *کاووشی در طنز ایران*. تهران: جامعه ایرانیان.
- نصرالله منشی، ابوالمعالی (1383). *کلیله و دمنه*. تصحیح مجتبی مینوی. تهران: امیرکبیر.
- *Britannica Encyclopedia* (1998).
- Brerton, C. & F. Rothwell Loughter (1911). *An Essay on the meaning of the comic*. London.
- Clayton, E. (2008). "Aesop, Aristotle, and Animals". *The Role of Fables in Human Life*. Central Michigan University. <http://jme.Humanitas.com>.
- j.Ketchen, D. & J. short, C (2005). "Aesop's fables and strategic management". *Jornal of Portland state university and Jornal of Florida state university. Management Education*;o. 29. 816-832 ;<http://jme.sagepub.com>.
- Greene, M.D. (2000). "The parable of unjust steward as question and challenge". *Less-MCRAE College. Banner ELK. North Carolina*..no. 112. 84-87; <http://ext.sagepub.com>.
- Parry, w. Ken & Hansen, Hans (2007). "The Organizational Story as leadership". *Griffith University. Australia and Texas Tech University. USA Leadership*.no. 3. 281-300; <http://lea.sagepub.com>.